

جنبه‌های دراماتیک و اقتباسی حماسه کوراوغلو

آزاده فخری*

چکیده

حماسه کوراوغلو یکی از معروف‌ترین حماسه‌های زبان ترکی است. این حماسه، مانند اکثر آثار کهن و حماسی، دارای ویژگی‌های دراماتیک متعددی است که موجب می‌شود بستر مناسبی برای اقتباس‌های دراماتیک باشد. این حماسه دارای وحدت کامل مفاهیم بوده و اغلب اصول داستان‌نویسی را مانند گره‌افکنی، اوج، گره‌گشایی و غیره رعایت کرده است بنابراین برای اقتباس موضوع خوبی محسوب می‌شود. در این مقاله، جنبه‌های نمایشی و عناصر دراماتیک حماسه کوراوغلو مورد بررسی قرار گرفته است که می‌تواند برای ساخت مجموعه‌های نمایشی مورد استفاده قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: حماسه، حماسه‌های آذربایجان، حماسه کوراوغلو، اقتباس از

کوراوغلو، عناصر دراماتیک کوراوغلو

* کارشناسی ارشد ادبیات نمایشی از دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز
azadeh.fakhri@yahoo.com

مقدمه

بسیاری از آثار هنری و یا شیوه‌های آفرینش هنری در زمینه‌های گوناگون مربوط به ادبیات از نوع نظم یا نثر، تئاتر، نقاشی، مجسمه‌سازی، معماری و موسیقی از طریق اقتباس پدید آمده‌اند و در موارد متعدد دیگر نیز تأثیرپذیری‌های آشکاری در فرم و محتوای آثار هنری از طریق اقتباس مشاهده می‌شود.

به‌رغم تجدد، نوآوری و رویکرد مردم و هنرمندان ما به آثار ترجمه و اقتباس، آثار مردمی و ملی کهن ما، گاهی از نمونه‌ها و انواع دیگر خارجی آن، جذاب‌تر و غنی‌تر است. حماسه کوراوغلو (koroqlu) در این زمینه، یک نمونه عالی است که همچنان جذابیت خود را حفظ کرده است. تلاش در جهت معرفی این اثر و بررسی جلوه‌های دراماتیک معتبر ایجاد شده بر مبنای آن، می‌تواند نمونه بسیار خوبی از انجام کار هنری جدید بر اساس داشته‌های ملی و مردمی یک سرزمین باشد. در این زمینه باید توجه داشت که ضمن ایجاد پیوند فکری، ادبی، هنری و معنوی با آثار کهن، می‌توان به نیازهای نمایشی روزگار خود نیز پاسخ داد و در عین حال پلی برای ارتباط با آیندگان فراهم آورد. از این منظر، حماسه کوراوغلو به عنوان نمونه مورد نظر انتخاب شده و در این مقاله سعی شده تا ویژگی‌های دراماتیک حماسه کوراوغلو و چگونگی انتقال این ویژگی‌ها به زبان درام، بررسی گردد.

معرفی حماسه کوراوغلو

بر مبنای آنچه در فرهنگ فارسی معین آمده است حماسه در لغت ابتدا به معنی دلیری کردن و پس از آن به معنای شعر رزمی است. بنا به توضیح ذبیح‌الله صفا، حماسه نوعی از اشعار وصفی است که مبتنی بر توصیف اعمال

جنبه‌های دراماتیک و اقتباسی حماسه کوراوغلو ❖ ۳۵

پهلوانی، مردانگی‌ها، افتخارات و بزرگی‌های قومی یا فردی باشد به نحوی که شامل مظاهر مختلف زندگی آنان گردد (صفا، ۱۳۷۹: ۴-۳). این تعریف دقیقاً مبتنی بر آن چیزی است که با خواندن «حماسه کوراوغلو» به ذهن متبادرمی‌شود.

از آنجا که حماسه، خاطره‌هایی از دوران نخستین است، به صورت افسانه و قصص «سینه‌به‌سینه» نقل شده و این روند ادامه داشته تا زمانی که «مکتوب» شده است.

در کتاب «جام جهان‌بین» آمده است: «حماسه را شعری دانسته‌اند که درباره موضوعی قهرمانی - که قدرت‌های مافوق طبیعت در آن دخالت دارند - سخن می‌گوید. این تعریف، ناظر به حماسه‌های خاصی است که می‌توان آنها را حماسه‌های پهلوانی خواند. این‌گونه حماسه‌ها که دارای جنبه مذهبی یا قهرمانی و یا هر دو هستند، جز در وضع، موقع و دوران خاص نمی‌توانسته‌اند پدید آیند. اما بعدها حماسه به زمان و موضوع خاص پای‌بند نماند.» (اسلامی ندوشن، ۱۳۸۹: ۳۸۷)

با این تعریف، حماسه کوراوغلو نیز به زمان و موضوعی خاص اسیر نبوده و قابلیت تأویل‌پذیری داشته است؛ به‌طور مثال، در اقتباس اُپرایسی^۱ صرف انتقام‌گیری از یک خان ظالم، تا حدودی به جنبش کارگری (دهقانان) و تشکیل کمون‌های آزادی‌خواه خواستار رفاه همگانی تبدیل شده است.

منظومه‌های حماسی فولکلوریک از مبارزات آزادی‌طلبانه و وطن‌پرستانه مردم هر سرزمین در طول تاریخ سخن می‌گوید. در این‌گونه منظومه‌ها، از قهرمانان و هنرمندان مردم ستایش می‌شود. درگیری‌های فتوودالی، سقوط کامل برخی از قدرت‌های دولتی و نیز سلطه زورمندان، از جمله دلایلی بود که باعث

۱. اجرا در اپرای باکو (جمهوری آذربایجان)

شد گروه‌های عیاران و یاغیان پدید آیند. از آنجا که مردم عادی بیش از ثروتمندان به عیاران توجه داشتند، در نتیجه آنان نسبت به مردم عادی احساس نزدیکی بیشتری می‌کردند. از این رو، موضع‌گیری ادبیات شفاهی نیز نسبت به عیاران منفی نیست. بدین سبب است که موضع‌گیری انتقادی، منطقی و عینی درباره عیاران دیده نمی‌شود و همواره سعی شده است تا اعمال حتی ناصواب آنان نیز خوب جلوه داده شود.

در حماسه کوراوغلو، او در برابر ستمی که از طرف حاکمان فئودال در حق پدرش شده بود، عصیان می‌کند و برای مقابله با آنها در کوهستان‌ها مسکن می‌گزیند و تمامی ستم‌دیدگان دور او جمع می‌شوند. آنها علیه حاکمان فئودال، بازرگانان و ساکنان ثروتمند شهرها وارد جنگ می‌شوند و آنچه را به کمک یاران و عیاران از دارایان می‌ستانند، میان نداداران تقسیم می‌کنند. کوراوغلو بی‌پناهان را پناه می‌دهد، غمخوار دوستان است، سرکرده‌ای تیزبین و سردار جنگی دلاوری است که در نبردها پیشاپیش عیاران بر دشمن می‌تازد و در راه کسب آزادی و امنیت از جان خویش می‌گذرد. دشمن اصلی مردم در حماسه کوراوغلو، سلطان عثمانی، امرا و حکام ستمکار محلی و پس از آن، فئودال‌ها، اربابان و تاجران ظالم، نظیر حسن پاشا، بولوبیگ (bulubeyg) و دیگرانی هستند که به اتفاق برای سرکوبی کوراوغلو به سوی چنلی‌بئل (Ali be?) سرازیر می‌شوند و سلاح آتشین را که تازه اختراع شده را به کار می‌گیرند. تفنگ ساخته شد و مردانگی از بین رفت

اینک تیغ برآن در غلاف خواهد پوسید

حماسه کوراوغلو همچون همه حماسه‌ها دارای ویژگی‌هایی است:

۱. لازمه یک منظومه حماسی تنها جنگ و خونریزی نیست بلکه منظومه حماسی کامل آن است که در عین توصیف پهلوانی‌ها و مردانگی‌های قوم،

نماینده عقاید، آرا و تمدن او نیز باشد و این خاصیت در تمام منظومه‌های حماسی مهم جهان موجود است (صفا، پیشین: ۹). پس تمام آثار حماسی متضمن جنگاوری، شهسواری و پهلوانی‌هاست (ترک بیاتانی در پایگاه اطلاع‌رسانی تبیان). هر چند در بخش اعظم حماسه، شرح دلاوری‌های کوراوغلو و پهلوانانش می‌آید اما حاوی بخش‌های مهمی از زندگی مانند رسوم و قوانین ازدواج یا به عنوان نکته قابل توجه حاوی نقش زنان در تصمیم‌گیری برای زندگی خود یا نقش ایشان برای تصمیم‌گیری و چاره‌اندیشی در جنگ‌ها و مشکلات «چنلی بئل» نیز هست. چه بسا همین عقاید و آموزه‌های القا شده در حماسه که منشاء قومی هم داشت زنان را واداشت تا در مبارزات مشروطه‌طلبی مردم تبریز، نقش اساسی و مؤثری ایفا نمایند.

۲. آهنگ پهلوانی و طرز بیان و انتخاب کلمات و عبارات و دقت در استفاده از آنچه برای تحریک حس پهلوانی مردم لازم است، هنگامی که با هم گرد آیند باعث می‌شوند که یک روایت پهلوانی ساده و غیر محرک و خشک به منظومه‌ای حماسی، زیبا، محرک و دلپذیر مبدل شود.

این حماسه به زبان ترکی سروده شده است و زبان ترکی و به حق شعرهای ترکی در موضوع حماسی، دارای وزن و رنگی حماسی و دلاورانه هستند. آهنگ ادای کلمات در این زبان به قدری تأثیرگذار است که برای مثال در تعزیه‌های ترکی، بیندگانی تحت تأثیر فضای ایجاد شده قرار می‌گیرند که مطلقاً معانی کلمات را درک نمی‌کنند ولی آنچه درک می‌کنند به عنوان نمونه، روحیه جوانمردی و پهلوانی حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام است. همین زبان و آهنگ در اشعار عاشقانه به گونه‌ای دیگر می‌تواند سوز دل عاشق را از عمق جان او در برابر خواننده یا شنونده به زیبایی جلوه‌گر سازد.

۳. از دیگر خصایص منظومه حماسی ابهام زمان و مکان در آن است. به عبارت دیگر منظومه حماسی در زمان و مکان محدود نیست زیرا هر چه صراحت زمان و مکان بیشتر باشد صراحت و روشنی وقایع بیشتر است و در نتیجه وقایع داستانی و اساطیری به تاریخ نزدیکتر می‌شود و ارزش حماسی منظومه بیشتر از میان می‌رود. (صفا، پیشین: ۱۲)

۴. در حماسه، حیوانات نقش مهمی دارند و نمی‌توان آنان را جانوران معمولی به حساب آورد. خانتوس، اسب آشیل، رخس و سیمرغ نمونه‌هایی از این حیوانات هستند. قیرآت (qirât) اسب کوراوغلو دارای قوه تصمیم‌گیری در هنگام خطر یا دارای احساسات و عواطف شدید نسبت به صاحب خود است. ۵. در حماسه، قهرمان با یک هیولا یا یک جانور غیرعادی می‌جنگد و او را می‌کشد. رستم و اسفندیار هر کدام در هفت‌خوان خود، ازدها و دیو سپید را می‌کشند و گیل‌گمش، نگهبان جنگل سدر را که یک هیولا است، نابود می‌کند. در منظومه گوراوغلی ترکمنی (با تلفظ ترکمنی)، گوراوغلی سه خواهر جادوگر را در روایت‌های مختلف و در ماجراهایی متفاوت می‌کشد.

۶. در داستان‌های حماسی گیاهانی عجیب با خواص دارویی دیده می‌شود. در گیل‌گمش، گیاهی وجود دارد که خاصیت جاودانگی دارد. از خون‌سیاوش، گیاه «خون‌سیاوشان» که خاصیت دارویی دارد، می‌روید. در نسخه آذربایجانی کوراوغلو، این خاصیت جادویی متعلق به کف آب یک چشمه در روز و ساعتی معین است که خوردن آن چند قدرت جادویی به کوراوغلو می‌بخشد، از جمله اینکه زور کسی به او نمی‌رسد و قدرت شاعری و نعره قدرتمندی به او داده می‌شود. در نسخه ترکمنی نیز آنچه خاصیت دارویی عجیب دارد، نور ستاره‌هاست، کوراوغلی هر گاه زخم برمی‌دارد زیر نور ستاره‌ها می‌خوابد و زخم هر چند کاری و مرگبار باشد با نور ستاره‌ها درمان می‌پذیرد.

جنبه‌های دراماتیک و اقتباسی حماسه کوراوغلو ❖ ۳۹

۷. قهرمان حماسه، صاحب عمر طولانی است. یکی از نشانه‌های جاودانگی در حماسه‌ها عمر دراز است، برای مثال رستم در زمان جنگ با افراسیاب ۵۰۰ سال سن دارد، تولدش غیر عادی است و پدرش در کوه البرز، به وسیله سیمرغ پرورده شده است. در نسخه ترکمنی، کوراوغلی به همین دلیل زاده شدن در شرایط ویژه و غیر عادی «گوراوغلی (با تلفظ ترکمنی) یعنی گورزاد» نام گرفته است چرا که او بعد از مرگ مادرش و از جنازه او در داخل گور، زاده شده است و تا مدتی با شیر یک بز پرورش یافته است.

عناصر دراماتیک حماسه کوراوغلو

پیرنگ^۱

پیرنگ، نقشه^۲، طرح^۳، توطئه^۴، یا الگویی^۵ حوادث در یک نمایش، شعر یا اثری از ادبیات داستانی است که علاوه بر آن دربرگیرنده ساختار رویدادها و شخصیت‌های داستانی نیز هست؛ به گونه‌ای که حس کنجکاوی خواننده را برانگیزد و باعث تعلیق در مخاطب و بیننده، تماشاچی یا خواننده گردد. آنچه پیرنگ را از طرح و چارچوب متمایز می‌سازد، این است که پیرنگ علاوه بر خلاصه داستان، رابطه علی حوادث را نیز بیان می‌کند. همچنین پیرنگ، نقشه‌چین داستانی، نقشه داستانی، طرح داستانی، توطئه نمایشنامه و هسته داستانی (ناظرزاده کرمانی، ۱۳۸۹: ۱۵۹) نیز معنا شده است.

-
1. plot
 2. plan
 3. design
 4. scheme
 5. pattern

پیرنگ حماسه کوراوغلو چنین است:

علی کیشی^۱ مهتر حسن خان است. به دلیل تمرد از آوردن اسب کهر برای مهمان خان^۲ که نامش حسن پاشا است - به شکلی ناعادلانه، کور می‌شود و پسرش روشن، انتقام او را از خان می‌ستاند. پس از این اتفاق، او و پدرش مجبور به فرار از دست لشکریان خان می‌شوند و پس از فرار در کوهستانی دورافتاده و مه‌آلود به نام «چنلی بئل» مسکن می‌گزینند تا کسی به ایشان دست نیابد. روشن که «کورزاد» نام گرفته‌است، برای گذران زندگی به عیاری می‌پردازد. او برای مبارزه با خوانین، عده‌ای دلاور را به دور خود جمع می‌کند و این امر برای او به قدری مهم است که برای یافتن سرداران آینده خود، چندین سفر انجام می‌دهد. آوازه او به گوش رعیت‌های اسیر در ظلم خوانین می‌رسد و رعیت‌ها نزد او آمده و در «چنلی بئل» ساکن می‌شوند. نگار، دختر پادشاه استانبول آوازه دلیری کوراوغلو را می‌شنود، نامه‌ای برای او می‌فرستد تا کوراوغلو وی را برای همسری، نزد خود ببرد. کوراوغلو طی سفری به استانبول، نگار زیبا را همراه خود به «چنلی بئل» می‌آورد.

چون کوراوغلو و نگار صاحب فرزند نمی‌شوند، «عاشیق جنون»، برای یافتن فرزند سفر می‌کند و پسر زیبا و دلاور ترکمنی را می‌یابد. کوراوغلو با سفر به اقلیم تکه (takka)، پسرک را ابتدا با حیله و سپس با جلب رضایت پدرش به عنوان فرزندخوانده، همراه خود به «چنلی بئل» می‌آورد تا موجب شادی نگار گردد. به این ترتیب ایواز^۲ (eyvâz) پسر او و کوراوغلو می‌گردد.

گسترش شهرت و آوازه کوراوغلو در آزادی‌خواهی و مبارزه با خوانین، خان‌ها را به ترس و چاره‌اندیشی وامی‌دارد. از جمله پادشاه بغداد، عده زیادی از خان‌های تحت امر خود را جمع می‌کند تا برای از میان برداشتن کوراوغلو

۱. به معنای مرد در زبان ترکی

۲. همان عیوض است.

جنبه‌های دراماتیک و اقتباسی حماسه کوراوغلو ❖ ۴۱

چاره‌ای بیندیشند. حسن پاشا بعد از مراجعت به سرزمین خود، با دیگران به شور می‌نشیند. در این میان کچل بی سر و پای پیشنهاد می‌دهد که با دزدیدن اسب محبوب کوراوغلو، او را به قصر بکشاند و برای این کار خود ازدواج با دختر حاکم، یعنی «دنا» (donâ) را تقاضا می‌کند تا هم به درجه آقایی و بیگی برسد، هم صاحب ثروت شود و هم در آینده حاکم گردد.

کچل با حيله و مظلوم‌نمایی به «چنلی بئل» رسوخ می‌کند و کوراوغلو علی‌رغم نصیحت زنان و دلاوران به او پناه می‌دهد. کچل حمزه، اسب را می‌دزدد و همه از کوراوغلو ناراحت شده و او را به سبب گوش نکردن به مشورت یاران، شماتت می‌کنند. کوراوغلو برای آوردن اسب به قصر می‌رود و با حيله‌های فراوان، اسب را برمی‌گرداند و دوباره دوستی و صلح میان او و یارانش برقرار می‌گردد.

قه‌رمان‌سازی^۱ (شخصیت‌پردازی)

شخصیت‌ها چند گونه‌اند:

۱. شخصیت اسطوره‌ای

۲. شخصیت افسانه‌ای

۳. شخصیت رئالیستی

۴. شخصیت مدرن (زاهدی، ۱۳۷۶: ۴۶)

کوراوغلو، یک رعیت‌زاده است بنابراین نمی‌توان او را شخصیتی اسطوره‌ای دانست، اما همین رعیت‌زاده با یافتن ویژگی‌های جادویی، از جمله یافتن اسب‌های ویژه دریایی، خوردن از کف چشمه‌ای جادویی و تبدیل مشت او به مشت قدرتمند و همچنین تبدیل صدای او به نعره‌ای بسیار قدرتمند و قوی،

1. characterization

یافتن توان شاعری و عاشیقی، به قهرمانی افسانه‌ای تبدیل می‌شود. گرچه در اقتباس‌ها، سعی شده است که این قهرمان، به شخصیتی رئالیستی تبدیل گردد. معمولاً برای نقش‌آفرینان داستان‌های اسطوره‌ای و افسانه‌ای، به جای واژه شخصیت، از واژه «قهرمان» استفاده می‌شود. به عبارتی شخصیت، در قالب حماسه و اسطوره نمی‌گنجد و مبحث ادبیات کهن معمولاً با قهرمان و ضدقهرمان همراه است.

شخصیت‌های حماسه کوراوغلو چنین‌اند:

شاهان: پادشاه بغداد، حسن پاشا، پاشای استانبول، حسن خان
شاهزادگان: نگار دختر پادشاه استانبول، بورجو (burju)، سلطان برادر نگار،
دنا خانوم دختر حسن خان
پهلوانان: کوراوغلو، دلی (dali) حسن، بللی (balli) احمد، دلی (dali)
مهر، دمیرچی (damir) اوغلو، ایواز (عیوض)
زنان: نگار، دنا خانوم
هنرمندان: عاشیق جنون
شخصیت‌های کلیدی و سازنده داستان: علی کیشی، قیرآت، کچل حمزه

افراد عادی: شخصیت‌های کوچک با نقش‌های فرعی

کشمکش^۱

کشمکش را بر اساس ماهیت نیروی مخالفی که با شخصیت اصلی می‌ستیزد، به شش گونه تقسیم کرده‌اند: کشمکش انسان با سرنوشت، کشمکش انسان با انسان، کشمکش انسان با خود، کشمکش انسان با جامعه، کشمکش جامعه با جامعه و کشمکش انسان با طبیعت.

1. conflict

جنبه‌های دراماتیک و اقتباسی حماسه کوراوغلو ❖ ۴۳

لزوماً همه داستان‌ها، همه کشمکش‌های برشمرده را دارا نیستند، بلکه ممکن است دارای ترکیبی از چند کشمکش یا فقط یک نوع کشمکش باشند. اقتباس‌گر داستان‌های کهن باید به ماهیت کشمکش و انواع آن واقف بوده، آن را همواره به عنوان میزانی مهم برای جذب مخاطب در نظر داشته باشد.

کشمکش در اختلاف بین دو نیرو به وجود می‌آید. در هر نوع داستان، خواه ساده باشد و خواه پیچیده، به محض خلق شخصیت‌ها، کشمکش نیز به وجود می‌آید. این کشمکش به اشکال مختلف ممکن است ظاهر شود (داد، ۱۳۷۱: ۲۴۲). در زیر به کشمکش‌های موجود در این حماسه اشاره می‌شود:

کشمکش انسان با سرنوشت: علی کیشی از کوراوغلو می‌خواهد که از کف چشمه جادویی قدری برای او بیاورد ولی دلیل درخواست خود را بیان نمی‌کند. کوراوغلو خودش چندبار از آن کف می‌نوشد و وقتی می‌خواهد ظرفی برای پدر پر کند، کف تمام شده است. وقتی سرافکننده نزد پدر برمی‌گردد، علی کیشی با تأسف می‌گوید: آن کف، علاج چشمان من بود! به این ترتیب علی کیشی نمی‌تواند از سرنوشت محتوم خود یعنی کورشدن و کور ماندن فرار کند.

کشمکش انسان با انسان: کشمکش علی کیشی با حسن خان، کشمکش روشن با حسن خان و کشمکش حاکم بغداد و حاکم استانبول، حسن خان با کوراوغلو و کشمکش کوراوغلو با اکثر پهلوانان، قبل از آشنایی و رفاقت.

کشمکش انسان با خود: روشن بعد از کوری پدرش، بلافاصله در صدد انتقام است ولی علی کیشی نمی‌گذارد و وی را مجبور به صبر و تهیه مقدمات و از جمله تکلیف به پرورش اسب می‌نماید، کوراوغلو با اینکه به شدت تمایل به انتقام سریع دارد ولی به حرف پدر گوش می‌سپارد.

کوراوغلو نمی‌تواند صاحب فرزندی شود. وفاداری نگار به کوراوغلو و ماندن نزد او، کشمکشی میان تمایل شدید او به مادر شدن و نبود این امکان است، ولی او با پذیرفتن ایواز صاحب فرزند می‌شود.

کشمکش انسان با جامعه: در ماجرای ورود حمزه به «چنلی‌بئل» تمام پهلوانان و اهالی مخالف ورود او هستند. در این مسئله نگار نیز با دیگران موافق است و نظر او مقابل نظر کوراوغلو قرار می‌گیرد. همچنین کشمکش کوراوغلو با جامعه فئودالی و خوانین نیز در همین گروه است.

کشمکش جامعه با جامعه: کشمکش چنلی‌بئل به عنوان جامعه‌ای مستقل، با جامعه تحت سلطه خوانین و پادشاهان.

کشمکش انسان با طبیعت: کشمکش مداوم اهالی چنلی‌بئل با طبیعت کوهستانی و سرسخت و مه‌آلود و کشمکش قیارات و کوراوغلو با رودخانه تونار، به هنگام فرار از قصر حسن پاشا در توفات.

در این حماسه انواع کشمکش‌ها وجود دارد ولی بیشترین سهم مربوط به کشمکش انسان با انسان و کشمکش انسان با جامعه است.

گره‌افکنی، اوج و گره‌گشایی در حماسه

گره‌گشایی-پایان	اوج	گره‌افکنی
علی کیشی در ازای از دست دادن چشم‌های خود دو کره اسب را می‌طلبد و صاحب دو کره اسب از نژاد دریایی و جادویی می‌شود.	علی کیشی اصرار دارد که این دوکره، اسب‌های دریایی هستند ولی عذر او پذیرفته نشده و علی کیشی کور می‌شود.	علی کیشی به جای اسب کهر دو کره لاغر می‌آورد و این موضوع بر خان و پاشا سنگین می‌آید.
روشن و پدرش به چنلی‌بئل می‌رسند که راهی صعب‌العبور دارد و در آن‌جا که مکانی امن است، مستقر شده و لشکریان از دسترسی به ایشان عاجز می‌مانند.	لشکر خان به دنبال آنها هستند و روشن و پدرش بی‌توقف در جستجوی محلی امن برای فرار و سپس استقرار در آن‌جا هستند ولی به هر جا که می‌رسند آن‌جا را مناسب نمی‌یابند و مجبور به	روشن، سر حسن خان را در انتقام‌جویی می‌زند و همراه پدر فرار می‌کند.

جنبه‌های دراماتیک و اقتباسی حماسه کوراوغلو ❖ ۴۵



شماره ۳۵ / زمستان ۱۳۹۲

گره‌گشایی-پایان	اوج	گره‌افکنی
	فرار دوباره از دست لشکریان می‌گردند.	
کوراوغلو که بردن نگار را به این شکل نمی‌پسندد، می‌ایستد و با برادر نگار مبارزه می‌کند و پیروز می‌شود. نگار را به چنلی‌بئل رسانده و در آن‌جا جشن عروسی با شکوهی برای ایشان برگزار می‌شود.	کوراوغلو باید نگار را از استانبول و از قصر پدرش بدزدد. کوراوغلو این کار را می‌کند. برادر نگار (بورجوسلطان) با لشکرش به دنبال کوراوغلو و نگار می‌رود و به ایشان می‌رسد.	نامه‌ای از دختر پادشاه استانبول؛ نگار؛ به دست کوراوغلو رسیده و از کوراوغلو خواسته تا او را به چنلی‌بئل ببرد.
کوراوغلو به عنوان عاشیق به عروسی کچل حمزه رفته و اسب را برمی‌گرداند.	کچل حمزه با حيله وارد چنلی‌بئل شده و اسب را می‌دزدد.	حاکم بغداد عده زیادی را برای دستگیری کوراوغلو جمع می‌کند. حسن پاشا قول این کار را به او می‌دهد. کچل حمزه برای این کار داوطلب می‌گردد.
ولی کوراوغلو در پی معامله‌ای سودبخش رضایت پدر را جلب می‌کند. ایواز را به چنلی‌بئل می‌برد و نگار او را به فرزند می‌پذیرد و شادی دوباره به زوج کوراوغلو و نگار برمی‌گردد.	عاشیق جنون در ایل ترکمن پسری به نام ایواز می‌یابد که به زیبایی یوسف و به دلآوری رستم است. ولی او والدینی دارد و کوراوغلو باید خود تدبیری برای تصاحب او بیندیشد. کوراوغلو برای گرفتن پسرک به عنوان چوپان با پدر او وارد معامله می‌شود و پسرک را می‌دزدد. پدر برای بازپس گرفتن ایواز، کوراوغلو را دنبال می‌کند و به او می‌رسد.	نگار بسیار غمگین است. او و کوراوغلو فرزند نمی‌دارند. کوراوغلو نمی‌تواند صاحب فرزند شود، و از این غم و از غم نگار، برای اولین بار به شدت گریه می‌کند. عاشیق جنون برای حل مشکل و یافتن فرزند برای ایشان، راهی سفر می‌شود.

زمان و مکان

با توجه به الگویی که برای داستان‌های شاهنامه به کار رفته است (حمیدیان، ۱۳۷۲: ۳۰)، می‌توان مکان‌های حماسه را در سه دسته ذیل عنوان نمود:

۱. مکان هایی که حدود و ثغورشان امروزه بر ما کاملاً روشن است: استانبول، بغداد، نخجوان و ارزوروم^۱.
۲. مکان هایی که تنها نامشان برجای است : چنلی بئل، توقات، کوه آلاجار و رودخانه تونا در شهر توقات.
۳. مکان جادویی: قوشابولاق، به معنی دو چشمه که از آن کفی با خواص جادویی می جوشد.

این حماسه شامل دو گونه زمان واقعی و جادویی است. زمان واقعی مانند چهل روز و هفت روز و زمان جادویی مانند پنجشنبه هفت سال به هفت سال یا قوشابولاق که در آن شب، کفی جادویی به وجود می آید.

اقتباس نمایشی از حماسه کوراوغلو

در این بخش به اقتباس این نمایش توسط بهروز غریب پور اشاره می شود این اقتباس با عنوان نمایش «کوراوغلو چنلی بئل: برداشتی آزاد از افسانه های آذربایجانی کوراوغلو» بود که در سال ۱۳۵۸ به نمایش درآمد.

نویسنده و کارگردان	بهروز غریب پور
بازیگران	سهیل پارسا، ناصر هاشمی، حسن دادشکر، داود غلامحسینی، افسانه توکلی، عادل یزدوده، حمید عبدالملکی
طراح صحنه و لباس	مجید میرفخرایی
مکان و زمان اجرا	سالن نمایش مرکز تئاتر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان (واقع در پارک لاله فعلی) - ۱۳۵۸

جنبه‌های دراماتیک و اقتباسی حماسه کوراوغلو ❖ ۴۷

ارائه هرگونه برداشتی نوین از اثری کهن، مستلزم داشتن خلاقیت و ابداع در موارد زیر است. به عبارت دیگر، هنرمند معاصر می‌تواند از یک یا هر سه جنبه زیر دیدگاه تازه خود را اعمال یا عنوان کند:

۱. پرداخت تازه قهرمان اصلی ۲. تغییر معنای موضوع ۳. حذف و اضافه کردن ماجراها و شخصیت‌ها. (صادقی، ۱۳۸۰: ۲۳)

۱. **پرداخت تازه قهرمان اصلی:** آنچه با خواندن نمایشنامه حاصل می‌شود این است که نمایشنامه، منطبق بر نوشته صمد بهرنگی (بهرنگی، ۱۳۸۷) است، همراه با توصیفات مستقیم و جمالاتی مشحون از روحیه‌ای انقلابی، که مختص زمان نوشته شدن نمایشنامه، یعنی سال ۱۳۵۹ می‌باشد. در این نمایشنامه معرفی قهرمان به چند شکل صورت می‌گیرد:

- معرفی قهرمان از طریق «توصیف مستقیم» از زبان دیگر شخصیت‌ها
علی کیشی: روشن، پسرم برخیز. از امروز نامت، کوراوغلو خواهد شد، تو فرزند علی کیشی کور شده‌ای. دو اسب بی‌همتای قیرآت و دورآت و نفرت سرشارم از خان و پاشا و شاه، از آن تو... بیا و به خاکم بسپار و نفرتم را به یاد آر، تا آن‌گاه که ستمگران در جهانند دو چشم کور شده‌ام را به یاد آر. (غریب‌پور، ۱۳۵۹: ۹)

- معرفی قهرمان از طریق گفتگو و کنش دیگران
این معرفی را در گفتگوهای میان زن و کچل حمزه می‌توانیم مشاهده کنیم یا در گفتگوی کوراوغلو با پیرزن.

- **توصیف شخصیت با عمل**
اولین اصل اساسی در اقتباس «پرداخت تازه از قهرمان اصلی» است، در این نمایشنامه در دیالوگ کوتاهی، تفاوت جسمانی قهرمان با تصورات مردم بیان

می‌شود و معلوم می‌شود که این کوراوغلو فرد لاغر و کوچک‌اندامی است، که این امر با مشخصات قهرمان حماسه که پهلوان و کوه پیکر است، متفاوت است و به همین دلیل، کوراوغلوی غریب‌پور، با این دیالوگ، از افسانه دور؛ و به مردم عادی شبیه شده است. باقی خصوصیات کوراوغلو، همان خصوصیات کوراوغلوی صمد بهرنگی است.

۲. تغییر معنای موضوع نمایش: شاید بهترین نمود و مورد مشخص برای نشان دادن برداشت نو مؤلف است، زیرا آنچه را که می‌توان در دوره و مکانی دیگر ارزش شمرد، ای بسا جبر زمانه در دوره و مکانی دیگر ضد ارزش جلوه‌دهد (صادقی، ۱۳۸۰: ۲۵). در نمایش بهروز غریب‌پور آوردن افرادی با عنوان «زارغان فقیر» و «شاه» اثر اقتباسی را به موضوع روز نزدیک‌تر کرده است.

۳. حذف و اضافه کردن ماجراها و شخصیت‌ها

حذف ماجرا: مردی با دو گاو که بار گندم و جو بر پشت آنهاست به آسیاب مراجعه می‌کند و با کوراوغلو مواجهه‌ای دارد. این ماجرا که هم در حماسه و هم در داستان بهرنگی هست، در نمایش به طور کامل حذف شده است.

اضافه کردن ماجرا: ماجرای اضافه شده، ماجرای است که البته همراه با یک شخصیت جدید هم هست مانند ماجرای دلقک‌خان در نمایش بهروز غریب‌پور.

در اقتباسی دیگر، اپرایی با نام اپرای کوراوغلو ساخته عزیز حاجی بیف^۱ در سال ۱۹۳۶ نوشته شد و اولین اجرای آن در تاریخ سی‌ام آوریل ۱۹۳۷ در سالن

1. Uzeyir Hagibeyov

اپرا و باله جمهوری آذربایجان در باکو بوده است. (پایگاه اطلاع‌رسانی ویکی‌پدیا)



نمایش کوراوغلوی چنلی‌بئل، مرکز تئاتر کانون، ۱۳۵۸

در مورد داستان اپرای کوراوغلو مهم‌ترین نکته اختلاف‌هایی است که این داستان با داستان اصلی کوراوغلو دارد. بدیهی است که حاجی بیف نمی‌توانست تمام فصل‌های داستان کوراوغلو را در قالب یک اپرا جای دهد. به همین علت او ترکیبی از چند فصل داستان را در این اپرا عرضه کرده است، به خاطر خلاصه کردن و به دلیل محدودیت‌های تئاتری، تغییراتی در شخصیت‌پردازی و یا علت حادثه یا سیر وقایع دیده می‌شود.

جمع‌بندی

بسیاری از آثار هنری با اقتباس به وجود آمده‌اند. این اقتباس‌ها علاوه بر ادبیات از نوع نظم یا نثر، در زمینه‌های گوناگون مانند تئاتر، نقاشی، مجسمه‌سازی، معماری و موسیقی نیز بوده است. ولیکن این امر در زمینه آثار کهن ادبی بیش از سایر شکل‌های هنری مشهور و مشهود بوده و در دسترس عموم قرار گرفته است. در این میان، گاهی یک اثر ادبی کهن در گذشت ایام و

گذر از سالیان و نسل‌ها، در حرکت خود، از مرز سکون و بی‌تغییری گذشته و با هر نسلی به سبک و سیاق همان نسل زیسته است، چنین اثری واجد خصوصیت «پویایی» است.

این مقاله ضمن تلاش برای شناخت ویژگی‌های دراماتیک این اثر، خلاقیت‌های هنری معتبر و ماندگار تهیه شده از آن، در شکل نمایش را معرفی و تجزیه و تحلیل نمود و علاوه بر بررسی ویژگی‌های دراماتیک حماسه کوراوغلو نشان داد که تا چه اندازه یک اثر کهن می‌تواند الهام‌بخش آثار هنری جدید باشد.

در پاسخ به این پرسش که امروزه چه خوانش و برداشت جدیدی از حماسه کوراوغلو می‌توان داشت، باید گفت که ارائه هرگونه برداشتی نوین از اثری کهن، مستلزم داشتن خلاقیت و ابداع در این موارد است: پرداخت تازه کوراوغلو، تغییر معنای موضوع حماسه، حذف و اضافه کردن ماجراها و شخصیت‌های حماسه، تبدیل و دگرگونی یعنی تبدیل از ژانری به ژانر دیگر یا از نوعی به نوع دیگر و برگرداندن وجه شنیداری به وجه دیداری با توجه به شرایط مادی و اجتماعی زمانه‌ای که قرار است خوانش جدید در آن صورت بگیرد ولی مهم‌تر از همه، به کار گرفتن تخیل و در نظر گرفتن این نکته است که همواره به متن اصلی به عنوان مصالح اولیه کار نگریسته شود تا با تمرکز و کار بر روی یک یا چند قطعه از آن، بتوان به اثری جدید با نگاه و رویکردی نوین و منطبق بر روح زمانه رسید.

منابع

الف) کتاب‌ها

۱. اسلامی‌ندوشن، محمدعلی (۱۳۸۹). *جام جهان بین*. تهران: قطره.
۲. بهرنگی، صمد (۱۳۸۷). *کوراوغلو و کچل حمزه*. تبریز: انتشارات بهرنگی.
۳. حمیدیان، سعید (۱۳۷۲). *درآمدی بر اندیشه و هنر فردوسی*. تهران: ناهید.
۴. داد، سیما (۱۳۷۱). *فرهنگ اصطلاحات ادبی*. تهران: مروارید.
۵. صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۹). *حماسه‌سرایی در ایران، از قدیمترین عهد تاریخی تا قرن چهاردهم هجری*. تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
۶. غریب‌پور، بهروز (۱۳۵۹). *کوراغلولی چنلی بل*. تهران: مرکز تئاتر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
۷. غریب‌پور، بهروز (۱۳۶۲). *کوراوغلولی چنلی‌بئل، برداشتی آزاد از افسانه‌های آذربایجانی کوراوغلو*. تهران: انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
۸. ناظرزاده کرمانی، فرهاد (۱۳۸۹). *درآمدی به نمایشنامه‌شناسی*. تهران: سمت.

ب) مقاله

۱. زاهدی، فریندخت (۱۳۷۶). «شخصیت‌پردازی در ادبیات نمایشی». *فصلنامه هنر*. ش ۳۴.
۲. صادقی، قطب‌الدین (۱۳۸۰). «چگونه آثار ادبی کهن را نمایشی کنیم؟». *صحنه*. ش ۱۶ و ۱۷.

ج) تارنمای مجازی

۱. «پرای کوراوغلو» در پایگاه اطلاع‌رسانی ویکی‌پدیا:
www.wikipedia.com
۲. ترک بیاتانی، آسیه در پایگاه اطلاع‌رسانی تبیان:
<http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=225338>



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی